رویای فراموش‌شده

درباره سفر فضانوردان نامدار به ایران

هزینه بیهوده یا فرصتی مغتنم؟

سیروس برزو
روزنامه‌نگار و مروج علم

چندسالی است به لطف علاقه‌مندان به ترویج فناوری فضانوردی و با برنامه‌ریزی بسیار بزرگ‌مت، کیهان‌نوردانی به ایران سفر کرده و در شهرهای مختلف ایران از جمله تهران، اصفهان، دامغان و تبریز با کارشناسان و علاقه‌مندان به فناوری فضایی ملاقات می‌کنند. شاید برای برخی این پرسش پیش آید: سفر این افراد (که مسلما هزینه‌ای هم دربر دارد)، چه سودی برای کشور خواهد داشت؟ آنانی که اندک دانشی از تعلیم و تربیت دارند، به خوبی می‌دانند زمینه رشد علاقه‌مندی نوجوانان و جوانان به علم، هنر، ادبیات و دیگر مقوله‌های مورد نیاز انسان و جامعه بشری، در تماس‌های مستقیم آنان با عناصر سازنده یا توسعه‌دهنده این مقولات فراهم می‌شود؛ به عبارت دیگر وقتی ارتباط شخص با پدیده‌های مربوط به موضوعی به طور مستقیم و ملموس صورت گیرد، کشش افراد به این موضوعات نیز افزایش پیدا می‌کند. حضور فضانوردان در جمع مردم، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، به چندین دلیل می‌تواند مفید واقع شود؛ برای مثال آنها مطالبی درباره فضانوردی را به طور مستقیم از زبان افرادی می‌شنوند که خود عملا در این فناوری نقش داشته‌اند و در نتیجه تاثیرگذاری ذکر این تجربه‌ها از زبان آنان، بسیار بیشتر از انتشار یک مقاله ترجمه‌شده در رسانه‌های مکتوب یا الکترونیکی است. جوانان و نوجوانان در این جلسات از نزدیک و به چشم خود می‌بینند که فضانورد هم انسانی است مثل آنها و اگر آنها هم با کوشش و تلاش به تحصیلات خود ادامه دهند و مواظب سلامت جسم و جان خود باشند، خواهند توانست در آینده در صف فضانوردان قرار گیرند. از میان میلیاردها ساکن کره زمین از اعصار گذشته تاکنون، تنها تعداد اندکی (در حدود ۵۰۰ نفر) توانسته‌اند به فضا سفر کنند. ملاقات با این استثنا، طبیعتا برای مردم جذابیت اکنون، از آن مهم‌تر، زمانی که آنها از زبان یک فضانورد بشنوند فناوری فضایی چگونه زندگی بشر را دگرگون کرده و توانسته به بسیاری از خواسته‌های علمی و جامعه عمل بپوشاند. علاقه‌مندی بیشتری برای فعالیت‌های فضایی در ایران پیدا می‌کنند. کارشناسان فضایی اگر به پیشرفت کار خود علاقه‌مند باشند، در زمان حضور فضانوردان در ایران، می‌توانند این فرصت را پیدا کنند که بیشتر با زیروبم کار آشنا شوند و به پاسخ برخی پرسش‌های خود دست یابند. فضانوردانی که تاکنون به ایران آمده‌اند، همگی از زیده‌ترین افراد فنی و تائیرگذار در زمینه طراحی و ساخت سامانه‌های فضایی بوده‌اند. برای مثال، «کنوئرگ کرچگو»، سه دکترای علوم فنی دارد و از دهه ۱۹۵۰ به‌طور مستقیم با «سرگئی کالالیف» کار می‌کرد. در مورد «الکساندر بالاندین» و «الکساندر کالسکاندروف» نیز باید گفت که آنها جزو برجسته‌ترین مهندسان کارخانه سازنده ناوهای سایوز هستند. «ویکتور کارباتکو»، فارغ‌التحصیل دانشگاه زوکوفسکی، یکی از چند دانشگاه معتبر فنی جهان در زمینه صنایع هوا-فضاست و خود چند سال ریاست یک دانشگاه مهم هوا- فضا را در روسیه بر عهده داشته است. «سالیخان شاریپف»، کیهان‌نوردی که یک دهه میهمان مردم خوشگرم دامغان بود و در دانشگاه‌های مختلف استان سمنان سخنرانی کرد، استاد مجموع فضانوردان ایستگاه فضایی بین‌المللی است.

در جریان سفر همین فضانوردان، بسیاری از مردم عادی و حتی روزنامه‌نگاران خبره، از خلال صحبت‌های آنها به حقایقی دست یافتند که تا قبل از سفر آنها از این موضوعات، بی‌اطلاع یا لااقل کم‌اطلاع بودند. دستیابی به فناوری فضایی به دلیل پاکیزگی سطح آن، بسیار دشوار است و به همین دلیل کشورهای اندکی به آن دست یافته‌اند. زیرا توان هزینه‌کردن برای رسیدن به این فناوری را ندارند. متاسفانه علاقه‌مندی به فضا از قابلیت فناوری را ندارد. به همین دلیل، حتی در برابر محرومیت‌ها، به خوبی می‌دانند منفی نشان می‌دهند. از سوی دیگر برخی رویاهای فعالیت‌های فضایی و قوایذ آن در بسیاری پوشیده است به ما مسبب آن بعضی مردم دیدگاه‌های مثبتی نسبت به برخی فعالیت‌ها نداشته باشند؛ برای مثال، خود من با آنکه سال‌هاست در زمینه ترویج فناوری فضایی فعالیت دارم، نسبت به برخی فعالیت‌های فضایی در ایران مثل پرتاب میمون معترض بودم و آن را تکرار مکررات می‌دانستم. در سفر «الکساندر کالسکاندروف» به ایران، وقتی او را دیدم ماهنامه «فضانورد» با جزیات محموله‌های زیستی ایران آشنا شد. از سیر تکاملی و مسیری که ایران در قدم برداشته ابراز رضایت و حتی تعجب کرد. به این ترتیب دیدگاه منفی من نسبت به این کار (یعنی ارسال محموله‌های زیستی به فضا) زمینه بحث مفصلی با او را فراهم کرد و بالاخره من و مخاطب شدم که این کار، اختراع دوباره چرخ نیست. وی نکات جالبی را در این مباحثه مطرح کرد که بعدا در جلسات عمومی به مخاطبان با مردم نیز به تشریح آنها پرداخت و با این کار، غبار شک و تردید از پرتاب محموله‌های زیستی را تا حدود زیادی برطرف کرد. به این ترتیب می‌بینیم که دادن اطلاعات، ایجاد اعتماد و نشان‌دادن صورت دستیابی به فناوری فضایی، می‌تواند اکاهی مردم را برای لزوم و صورت پرداخت هزینه‌های لازم در جهت توسعه فضانوردی بالا ببرد و مردم صورت طرح هزینه در مسیر مورد نظر و همراهی با مسوولان در این زمینه را درک کنند.

از سوی دیگر، بر چرخ‌کس پوشیده نیست که رسانه‌های بیگانه، از جمله دستگاه‌های تبلیغاتی غرب، به‌ویژه آمریکا، تمام تلاش خود را به‌کار می‌گیرند تا از مردم ایران تصویری واژگون نشان دهند. آنها در این برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده، از خرهای دروغین یا از دمی گرفته تا سیاحت‌های ضدایرانی مثل ۳۰۰، بهره می‌گیرند و چهره زشتی از ایران تصویر می‌کنند. به همین دلیل بسیاری از فضانوردان در ایران با اکراه قبول می‌کنند که به کشورمان سفر کنند اما طی دوران سفر، با واقعیت‌های تمدن و فرهنگ ایرانی آشنا و هرکدام از آنها، پس از بازگشت به کشورشان، به سفیری فرهنگی برای ما تبدیل می‌شوند. مثلا «کنوئرگ کرچگو» (که امروز در روسیه شهرتی در حد «گاگاریین» دارد و زمانی به ایران سفر کرده بود)، وقتی متوجه شد قرار است در یکی از شهرهای روسیه، هفته فرهنگ ایران برگزار شود، با علاقه‌مندی زیاد به آن سفر کرد و در جلسه‌های متعدد به تعریف جاذبه‌های خاص سفر خود و جلوه‌های زیبای فرهنگ و آداب و سنن و زندگی امروز در ایران پرداخت. طبیعتا شنیدن این مطالب از زبان کسی مثل او، بر مردم روسیه بیشتر تاثیر می‌گذارد تا یک ایرانی. به قول شاعر: خوشتر آن باشد که سر دلبران/ گفته آید در حدیث دیگران.

دیدار فضانوردان از موزه و مجلات

آشنایی با فضانوردانی که به ایران آمدند

آنان که آمدند و آن‌که نیامد

محمدرضا گلزار

با حضور «الکساندر الکساندروف» در ایران و حضور در مجامع علمی و همچنین سخنرانی برای عموم مردم در شهرهای تهران، تبریز و اصفهان، یک بار دیگر باد و خاطره سفر فضانوردان برجسته جهان به ایران زنده شد. به همین مناسبت با برخی از این مسافران آشنا می‌شویم.

۱- از «یوری گاگاریین» که برای اولین‌بار به فضا سفر کرد که بگذریم، «نیل آرمسترانگ»، «بیان آلدرین» و «مایکل کالینز» از نامدارترین فضانوردان جهان هستند. چرا که این سه با هم به ماه سفر کردند. «نوفمبر اول بر ماه فرود آمدند و نفر سوم در مدار ماه منتظر دو دوست و همکار خود ماند. آنها پس از هشت‌روز زندگی در فضا، به زمین بازگشتند. این فضانوردان پس از بازگشت به زمین، به کشورهای مختلف دنیا سفر کردند. ازجمله سوم آبان ۱۳۴۸ به ایران آمدند. «نیل آرمسترانگ» به‌همراه «بار آلدرین» و «مایکل کالینز» در نوامبر ۱۹۶۹میلادی (حدود یتج‌ماه پس از سفر به ماه) در قالب یک تور حسن‌نیت جهانی به‌همراه یک هیات ۳۰نفره از فضانوردان، به تهران آمدند و جزیات این سفر را برای علاقه‌مندان تشریح کردند. آنان در این سفر در انجمن ایران و آمریکا حاضر شدند و در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیوتلویزیونی، به تشریح سفر خود به ماه پرداختند. «نیل آرمسترانگ» در آغاز مصاحبه، از مسافرت خود و دوستانش به ایران ابراز خوشنودی و از استقبال گرم مردم تهران تشکر کرد. در این جلسه فیلم کوتاهی از فعالیت‌های ۱۰سالاه‌ای که فه تخ ماه منجر شده، به نمایش درآمد و فضانوردان هر یک درباره قسمت‌های مختلف آن توضیحاتی دادند.

۲- «یکور ولک» نیز در ابتدای دهه ۸۰ به دعوت سازمان فضایی ایران به کشور ما سفر و با کارشناسان مختلف دیدار کرد. «ایکور ولک» در ۱۲ آوریل ۱۹۳۷ در شهر زمیوک در حومه خارک اوکراین به دنیا آمد. تحصیلات دبستان و دبیرستان را در اوکراین و روسیه به پایان رساند. همزمان در باشگاه هوایی کورسک تمرین و مدرک مهارت‌های فرماندهی و خلبانی هواپیما را از آنجا دریافت کرد. وی اولین پرواز خود را در آوریل ۱۹۵۴ انجام داد. او در ۱۹۵۶ آموزشگاه هوایی نظامی خلبانان کراداسکوی (اوکراین) را به پایان رساند و به عنوان خلبان جنگنده مشغول به کار شد تا محیط را بشناسد. او در ۲۳ژانویه سال۱۹۶۹ از مرکز فضایی کاناوال به فضا پرتاب شد. «شاریوف»، در سفر دوم به فضا، به عنوان فرمانده وی سایوز T-MA-5 در قلب دهمین کره اهزامی به ایستگاه فضایی بین‌المللی به همراه «یوری شارکیف» و «لوری چیلنو» از آمریکا راهی مدار زمین شد. وی از طول این پرواز، دو راهپیمایی فضایی انجام داد که جمعا ۱۰ساعت طول کشید. وی به دلیل خدمت‌های کره در زمینه فضانوردی، ایفای نقش مهم و دریافت مدال‌های شده که از جمله می‌توان به مدال ستاره طلایی «قهرمان فدراسیون روسیه»، مدال «شایستگی در توسعه فضانوردی»، ستاره نقا «قهرمان جمهوری قزقرستان»، مدال پرواز فضایی ناسا و [illegible] اشاره کرد. «شاریوف» متاهل است و یک دختر به نام نگار و یک پسر به اسم جهانگیر دارد.

۵- «ویکتور کارباتکو» فضانورد، استاد فضانوردی و رییس سابق دانشگاه هوایی مسکو نیز یکی دیگر از فضانوردانی بود که به ایران آمد. او به همراه همسرش به مدت یک هفته به ایران سفر کرد. «ویکتور کارباتکو» در سوم دسامبر ۱۹۳۴ در کراسنادار روسیه به دنیا آمد و در ۱۹۵۲ وارد مدرسه هوانوردی روسنف شد. وی سال ۱۹۵۶ پس از فارغ‌التحصیل شدن، به نیروی هوایی شوروی پیوست. «کارباتکو» پس از امتحان‌های گوناگون علمی و عملی، یکی از ۲۰ نفری بود که از بین چندین هزار نفر برای سفر به فضا انتخاب شد و به تمرین پرداخت. او این آموزش ۹ سال به طول انجامید. وی نخستین پرواز خود را با سایوز-۷ به همراه «ولکف و فلیپچنکو» در ۱۹۶۹ به مدت ۱۱۸ ساعت و ۴۲ دقیقه انجام داد. سفر بعدی وی با سایوز-۲۴ به همراه «کلازکف» در ۱۹۷۷ انجام شد که ۲۲۵ ساعت و ۳۳ دقیقه طول کشید. «کارباتکو» و همسرش طی این مدت در سالیوت-۵ به پژوهش مشغول بودند. سومین سفر وی با سایوز-۳۷ در ۲۳ جولای ۱۹۸۰ آغاز شد. در این سفر «فام توان»، کیهان‌نورد ویتنامی وی را همراهی می‌کرد. سفر این دو در مدار زمین ۱۸۸ ساعت و ۴۲ دقیقه به طول انجامید. «کارباتکو» در سفر دوم به ایران، ضمن شرکت در مراسم‌های مختلف، کلنگ نخستین بلاغ‌موزه فضایی خاورمیانه را در اصفهان به زمین زد.

۶- «سالیخان شاریوف»، کیهان‌نورد روس، دیگر فضانوردی بود که به همراه همسرش به ایران آمده بود. وی ۲۴ اکتوبر۱۹۶۴ در شهر اورنگس جمهوری قرقیزستان در خانواده‌ای مسلمان به دنیا آمد. دبیرستان را در سال ۱۹۸۱ در همان شهر به پایان رساند. با توجه به علاقه‌ای که به هواوردی داشت به آموزشگاه عالی هوانوردی نظامی خارک وارد شد. وی در هشتم آگوست ۱۹۹۰ به جمع کیهان‌نوردان پیوست. آموزش مخصوص پروازهای فضایی را از اکتبر همین سال آغاز کرد که تا مارس سال ۱۹۹۲ ادامه داشت. در پایان دوره با چهار امتحان ایستگاه به‌طور رسمی عنوان فضانورد را به دست آورد. تخشین سفرش با کیهان‌نوردی آندیرو بود. او به عنوان متخصص ماموریت در این پرواز شرکت کرد. کیهان‌نورد آمریکایی در ۲۳ژانویه سال۱۹۹۴ از مرکز فضایی کاناوال به فضا پرتاب شد. «شاریوف»، در سفر دوم به فضا، به عنوان فرمانده وی سایوز T-MA-5 در قلب دهمین کره اهزامی به ایستگاه فضایی بین‌المللی به همراه «یوری شارکیف» و «لوری چیلنو» از آمریکا راهی مدار زمین شد. وی طول این پرواز، دو راهپیمایی فضایی انجام داد که جمعا ۱۰ساعت طول کشید. وی به دلیل خدمت‌های کره در زمینه فضانوردی، ایفای نقش مهم و دریافت مدال‌های شده که از جمله می‌توان به مدال ستاره طلایی «قهرمان فدراسیون روسیه»، مدال «شایستگی در توسعه فضانوردی»، ستاره نقا «قهرمان جمهوری قزقرستان»، مدال پرواز فضایی ناسا و [illegible] اشاره کرد. «شاریوف» متاهل است و یک دختر به نام نگار و یک پسر به اسم جهانگیر دارد.

۷- شیخ «مظفر شکور» دیگر فضانورد «مظفر شکور» به فضا، برخلاف دیگر کرشگران مانند «تیتو» و «شاتلورث» که با پرداخت ۲۰میلیون دلار میسر شد، هدیه دولت روسیه در ازای قرارداد سنگین یک میلیارددلاری مالزی برای خرید سامانه‌های هوایی و خدمات ماهواره‌ای از روسیه بود. چهارم سپتامبر ۲۰۰۶ عبدالاحمد بدری، نخستوزیر مالزی به‌طور رسمی اعلام کرد، نامزد اصلی این سفر، «مظفر شکور» است «و طبق به‌توافق جانشین در تمام مراحل آموزش وی را همراهی خواهد کرد. در آمریکا هم دولت از فعالیت شرکت‌های خصوصی در عرصه فضایی برای ساخت فضاپیما بسیار حمایت کرده است.

فعالیت فضایی سایوز تاکنون بسیار موفق بوده است. با این وضعیت، روس‌ها مایلند با نوآوری‌هایی، همچنان از این فضاپیما استفاده کنند یا دوست دارند نوع تازه‌ای از فضاپیماها را با امکانات بیشتر و فناوری جدیدتر طراحی و تولید کنند؟

ما همگی‌تون در یک‌سال، چهار فضاپیمای سایوز را پرتاب می‌کنیم ولی کمان نکنید که این چهار فضاپیمای سایوز، مثل هم هستند. در هر فضاپیمای سایوز نسبت به فضاپیمای قبلی، نوآوری‌هایی صورت می‌گیرد و ما در هرکدام از این فضاپیماها، تکنیک‌های جدیدتری را به کار می‌بریم. اما دولت روسیه بر این باور است که اگرچه فضاپیمای سایوز فضاپیمای بسیار موفقی است اما کوچک است و برای فعالیت‌های اموزی، فضاپیمای مناسبی نیست به همین دلیل ما همراهون روس فناوری و ساخت فضاپیماهای تازه‌ای اگرمی‌کنیم که فضا فضاپیمای «روس» نام دارد. این فضاپیما چهار مترقطر دارد و می‌تواند هفت‌نفر را به فضا ببرد. کارهای مربوط به ساخت بدنه این فضاپیما انجام شده و هم‌اکنون کار روی جزییات اندازه دارد. سیستم‌ها و دستگاه‌های این فضاپیما کاملا متفاوت از سایوز است.

سالیوت و میر دو ایستگاه فضایی نامدار روس‌ها بودند که سال‌ها فرمانروای فضا بودند. شما هم به هر دو ایستگاه سفر و در آنجا اقامت کردید. امکانات ایستگاه فضایی سالیوت و میر را چگونه با هم مقایسه می‌کنید؟

ما هفت ایستگاه فضایی سالیوت ساختیم. در سالیوت-۷ که همه سیستم‌ها و ابزارها نو شده بود، توانستیم به رکورد اقامت ۲۱۰شبانروز برسیم. ما بعدها توانستیم ایستگاه فضایی میر را نیز بسازیم که در آینده پیش‌بینی می‌شد فقط پنج یا شش‌سال فعالیت کند. در حالی‌که این ایستگاه عملا ۱۵سال کار کرد. پنج فضاپیما می‌توانستند همزمان به آن متصل شوند. سه دریچه ورودی فعال داشت که فضاپیماهای سایوز، پروگرس و شاتل می‌توانستند به آن متصل شوند. هر واحد جدیدی که به آن متصل می‌شد، می‌توانست تا ۱۲۰مترمکعب حجم داشته باشد. تمام ایستگاه‌های فضایی سالیوت (از سالیوت-۱ تا سالیوت-۷)، مرتب و پیوسته به‌روز می‌شد و هر مرتبه امکانات جدیدی به آن اضافه می‌شد. در مجموع با استفاده از همه تجربیاتی که از ساخت ایستگاه‌های فضایی سالیوت به دست آورده بودیم، توانستیم ایستگاه فضایی میر را بسازیم. کلاس و ورده ایستگاه فضایی میر متفاوت از ایستگاه‌های سالیوت بود. این ایستگاه امکانات بسیار بیشتری داشت و افراد مستقر در آن راحتی و آسایش بیشتری داشتند. همچنین امکانات آن برای کار و تحقیق هم بیشتر بود. پنج شاتل فضایی آمریکا به ایستگاه فضایی میر متصل شد و فناورادنش در آنجا فعالیت کردند.

چه شد که فضاپیماهای آمریکا هم به میر سفر کردند؟

ما توانستیم در این ایستگاه فضایی، امکانات جدیدی را فراهم کنیم تا جایگاهی برای پذیرایی از فضانوردان کشورهای مختلف شود. به این ترتیب فضانوردان کشورهای دیگر هم توانستند از امکانات این مجموعه استفاده کنند. البته اگر آمریکایی‌ها مراحتی برای فعالیت‌های ایستگاه فضایی میر ایجاد نمی‌کردند، این ایستگاه حتی می‌توانست تا ۲۵سال در مدار فعالیت کند.

امکانات ایستگاه فضایی بین‌المللی را در مقایسه با مجتمع مداری میر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ساخت ایستگاه فضایی بین‌المللی یک پیشرفت بسیار بزرگ بود. زیرا هم اندازه آن بزرگتر است و هم امکانات و تجهیزاتی که دارد، به‌روزتر است و برای ساخت آن از آخرین فناوری‌ها استفاده شده است. به این ترتیب آن را نمی‌توان با ایستگاه فضایی میر مقایسه کرد؛ چرا که میر محدودیت‌هایی داشت. زمانی که به برای ساخت ایستگاه فضایی آینده روسیه تبادل‌نظر می‌کردیم، من ایده‌ای را مطرح کردم که این ایده کم‌کم عملی می‌شود. نظر من این بود که زمان انجام بسیاری از آزمایش‌ها طولانی است و مثلا انجام یک آزمایش ممکن است سه‌ماه هم طول بکشد. به نظر من فضایی نداره که یک فضانورد در تمام طول مدت سه‌ماه در ایستگاه فضایی حضور نداشته باشد. ما قصد داریم برنامه‌های فضایی‌مان را به گونه‌ای طراحی کنیم که فضانورد به ایستگاه بود و آزمایش را آغاز کند و خودش به زمین برگردد. این آزمایش به مدت چند ماه ادامه می‌شود و زمانی که کرو بعدی به ایستگاه رفت، نتایج اجا این آزمایش را بررسی می‌کند. ضمن اینکه ما می‌خواهیم بخشی از این ایستگاه را به کونای برنامه‌ریزی کنیم که تولو از آن برای سفر به ماه استفاده کرد. البته به اینکه خود ایستگاه فضایی به ماه برود بلکه بتوان در برنامه سفر به ماه از این ایستگاه هم استفاده کرد. این طرحی بود که آقای «چرکوف» هم اجرا کرد. پروازاتی که «گرکوف» به فضا گذوانده‌ست بود، ولی به نتیجه رسید.

روس‌ها زمانی بلیت سفر به ایستگاه فضایی بین‌المللی را به کرشکران می‌فروختند. دلیلش این بود که این کار هم کسب درآمد بود، اما پس از مدتی، این کار متوقف شد. دلیل لغو این برنامه چه بود؟

در آن دوران به دلیل نبود برنامه‌ریزی‌ها، می‌توانستیم بلیت را هم به کرشکران فضایی اختصاص دهیم. اما هم‌اکنون وضعیت فعالیت ما به‌شدت تغییر کرده است و امکان انجام این کار وجود ندارد. ما می‌دانیم که به دلیل فشردگی برنامه‌ها، ما برنامه‌های فضایی را برای سفرهای فضایی تنظیم کرده‌ایم. در یک پرواز، دو فضانورد روس و یک فضانورد آمریکایی سفر می‌کنند و در پروازهای دیگر، یک نفر روس با دو نفر آمریکایی یا کسانی که آمریکایی‌ها پیشنهاد می‌کنند، به ایستگاه فضایی می‌روند. با این توضیحات می‌بینید چقدر این وجود تداد که بخواهیم به کرشکران فضایی اختصاص دهیم. پس با توجه به وضعیتی که در ایستگاه فضایی حاکم است و نیز توقع فعالیت‌هایی که در آینده انجام می‌شود، هم‌اکنون امکان اعزام کردشکر به فضا وجود ندارد. اما با این همه فعالیت در سال آینده یک جای بیرواز طولانی‌مدت صورت گیرد. به همین دلیل فعلا یک جای خالی وجود دارد و این امکان هست که یک کردشکر فضایی باتوان به سفر برود.

یک شرکت هلندی مدت‌هاست که برای اعزام انسان در قالب برنامه‌ای به نام «مارس‌وان» فعالیت می‌کند. به نظر شما آیا اعزام انسان به مریخ برای اقامت و زندگی طولانی‌مدت در این سیاره، امکان دارد؟

به نظرم این کار نوعی دیوانگی است و فقط کسانی می‌توانند به چنین موضوعی فکر کنند که از فکرشان به درستی استفاده نمی‌کنند. هیچ حکومت عاقلی نیز اجازه نمی‌دهد که اتباع و شهروندانش درون فضاپیمایی بروند که آینده‌اش معلوم نیست و مشخص نیست چگونه می‌خواهد به شعارهایش برای رسیدن به مریخ و اقامت در آنجا عمل کند. به نظر من آینده خوبی را نمی‌توان برای این برنامه تصور کرد. نکته مهمی که باید در اینجا تاکید کنم این است که این برنامه هیچ استفاده، کاربرد یا دستاورد علمی مفیدی ندارد. نکته دیگر اینکه این برنامه به لحاظ انسانی و اخلاقی هم درست نیست. به همین دلیل هیچ حکومتی حاضر نیست حتی یک نیوتون برای آن بدهد.

به نظر شما آیا اعزام انسان در قالب پروژه توسط یک شرکت خصوصی انجام می‌شود که زیرساخت‌های لازم برای اجرای چنین برنامه‌ای را ندارد، بسیاری از این کارشناسان بر این باورند این برنامه بیشتر تبلیغاتی دارد و در نهایت هم انجام نخواهد شد.

به لحاظ فنی، اینکه ما افرادی درون فضاپیمایی بنشانیم و آنها را به طرف مریخ بفرستیم، این کار شدنی است. متنها این کار سرانجامی ندارد و نهایت کار این فضانوردان، مرگ است؛ چون ما در میان فضاپیما یا در کل فناوری‌ای در اختیار نداریم که افرادی را به مریخ بفرستیم و زندگی انسانی را برای آنان تضمین کنیم. ما می‌توانیم افرادی را درون فضاپیمایی بنشانیم و مقداری هم مواد غذایی و آذوقه همراه آنان بفرستیم و بگوییم بروید به سلامت. تا این جای کار شدنی است. اما دیگر ادامه کار، شدنی نیست. اجتمع چنین کاری شدنی است مگر اینکه خواسته باشیم این افراد را به سمت مرگ بفرستیم. ولی اینکه کمان کنیم با اجتمع چنین طرح‌هایی می‌توان افرادی را به مریخ فرستاد هم بسیار خوب است. در این مدت که در ایران بودم، به وضعیت زندگی مردم بسیار دقت کردم و دیده خانه‌های مردم بسیار تمیز است و به‌اصطلاح، خوشبوی است. شوری مثل انصفهان را بعد که شهری باشگاه‌ها یا باشگاهی شکل همین سرسبزبودن آن است.

از زیایی‌ان از مردم ایران چگونه است؟

تا جایی که من دیدم همه مردم ایران خوشگرم و میهمان‌نواز هستند و با میهمانان‌شان با روحیه خوب و خوش برخورد می‌کنند. آن چیزی که برای من بسیار جالب بود این است که مردم شما بسیار آراسته. شهرهای شما بسیار آرام است و به همین دلیل است انسان آرامش می‌کند. در صورتی که اگر به کشورهای دیگر بروید خود نکته دیگر. می‌بینید بسیاری از این کشورها اوضاع مناسبی ندارند و کشورها به هم ریخته است، مثل عراق و افغانستان. در بسیاری از شهرهای این کشورها درگیری است و به همین دلیل نمی‌توان آرامش را در این شهرها دید. در این چندروزی که من در ایران بودم به این موضوع دقت کردم و دیدم هم مردم بسیار آراسته هستند و زندگی در ایران جریان دارد و هم اینکه شهرها بسیار آرام است. به همین دلیل من در ایران خوشم آمد و عاشق ایران شدم. من برای مردم ایران سلامتی و روزهای خیر و خوش و طلایی را آرزومند هستم.

آینده فعالیت‌های فضایی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من فکر می‌کنم هیچ‌کشوری نمی‌تواند جلو پیشرفت‌های علمی شما را بگیرد. تا اینکه آنها به من اطلاعات داده‌اند. ایران تلاش خود را برای رسیدن به این هدف همواره کرد. هرکشوری که به خود احترام می‌گذارد و می‌خواهد استقلالش را حفظ کند، در حوزه پژوهش‌های فضایی سرمایه‌گذاری می‌کند. با توجه به اطلاعاتی که در جریان گذشته افراد مختلف افراد مختلف ایران در فعالیت‌های فضایی ایران به من منتقل کردند، به این نتیجه رسیدم که کشور ایران به‌طوری‌که می‌گفتند با دیگر کرده و به این نتیجه رسیده است که باید در این زمینه سرمایه‌گذاری کند. ایران در این زمینه جدیت پیشرفت خواهد کرد چون به خودش و استقلالش احترام می‌گذارد.

برای تسریع دستاوردهای فضایی ایران، چه پیشنهادی دارید؟

پیشنهاد من برای اینکه پژوهش‌های فضایی ایران سریع‌تر رشد کند و دستاوردهای بیشتری داشته باشد، این است که راهی را انتخاب کنید که بتوانید از قابلیت‌ها و تجربه‌های کشورهای دیگر هم استفاده کنید. برای این کار بهتر است همکارهایی را با کشورهای صاحبنام و دارای تجربه در این زمینه آغاز کنید تا بتوانید از امکانات و تجربه‌های آنان برای برداشتن گام‌های بزرگتر و سریع‌تر استفاده کنید.

پیش از سفر به ایران چه حسی داشتید؟

من زمانی که می‌خواستم به ایران بیایم هیچ‌تصور و برداشتی از ایران نداشتم. «بزرو» به من گفت زبان ما شبیه به زبان تاجیک‌هاست. من پیش از این به تاجیکستان سفر کرده بودم و به همین دلیل فکر می‌کردم زمانی که به ایران می‌آیم، با مردمی مثل مردم تاجیکستان برخورد می‌کنم. ولی وقتی به که ایران آمدم دیدم که هیچ شباهتی بین مردم ایران و تاجیکستان نیست. ایرانیان افرادی بسیار زیبا و خوش‌چهره و از لحاظ شکل و شمایل متفاوت از تاجیک‌ها هستند. ایرانی در زندگی خود و رفتارهای اجتماعی، تلفیقی از تاریخ کهن به علاوه زندگی امروزی است. به باور دیگر، من از وقتی که به ایران آمدم، این احساس را ندارم که به یک سرزمین کهنه آمده‌ام. در این حال که اینجا یک سرزمین قدیمی و باستانی است، احساس می‌کنم که کشور را ندارد. در اینجا جوامع مردم و همچنین جمع شهرها تقریبا اروپایی است.

سفر شما به ایران کوتاه‌مدت بود. با این‌همه فرهنگ مردم ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دختر اتاق «بزرو» سال‌ها در روسیه زندگی کرده است. وقتی من از او درباره جوانان ایران پرسیدم، به من گفت جوانان ایران سرآمد خوش‌گذرانی هستند. جوانان ایران اهل گفت‌وگو هستند. زمانی که من به تبریز و اصفهان رفتم دقیقا این موضوع را حس کردم که جوانان شما، جوانانی نیستند که اوقات‌شان را به بطالت بگذرانند. جوانان شما، جوانان فرهیخته‌ای هستند که بر مبنای عقل و فکر، تصمیم‌گیری می‌کنند.

چه چیزی بیش از همه توجه شما را جلب کرد؟

یکی از چیزهایی که در شهرهای شما توجه من را جلب کرد، این بود که خیابان‌های شهرهای شما بسیار شبیه به خیابان‌های شهرهای اروپای شرقی جهان، بسیار تمیز است. همچنین آسفالت‌های آن هم بسیار خوب است. در این مدت که در ایران بودم، به وضعیت زندگی مردم بسیار دقت کردم و دیده خانه‌های مردم بسیار تمیز است و به‌اصطلاح، خوشبوی است. شوری مثل انصفهان را بعد که شهری باشگاه‌ها یا باشگاهی شکل همین سرسبزبودن آن است.

از زیایی‌ان از مردم ایران چگونه است؟

من در مدتی که در ایران به‌سر بردم، احساس بسیار خوبی داشتم و از آشنایی و گفت‌وگو با مردم ایران بسیار خوشحال هستم. طبعی است زمانی که به کشور خود برگردم، این احساس خوبم را به دوستانم و مردم کشورم انتقال خواهم داد. من به این نتیجه رسیدم که خواهم گذاشت و تلاش می‌کنم وسیله‌ای برای دوستی بیشتر مردم کشورم و ایران با شام

عکس: روجه رستمی شرق

تحلیل فضانورد باسابقه روس از دستاوردهای فضایی کشور:

هیچ‌کس نمی‌تواند جلو پیشرفت ایران را بگیرد

«الکساندر الکساندروف» در نصف جهان

توجه ویژه فضانورد نامدار به دانش آموزان

محمدرضا رضایی . روزنامه‌نگار و مروج علم هوافضا

صبح روز دوشنبه ۲۴ آذر ۹۳، برای استقبال از «سیروس برزو» و همسرش به فرودگاه اصفهان رفتم. پیش از این چندبار میزبان «برزو» و همسرش در اصفهان بودم، اما این‌بار این دو تنها نبودند و «الکساندر الکساندروف»، فضانورد نامدار و کهنه‌کار روسی نیز همراهشان بود. تقریبا دو ماه پیش، گفت‌وگویی از «برزو» با «الکساندروف» را در مجله فضانورد به چاپ رسانده بودم و کموبیش «الکساندروف» را می‌شناختم. بلندگوهای فرودگاه اصفهان، خبر از فرود هواپیمای حامل میهمانان فضایی ما داد و من به سرعت به سالن پرواز رفته و پس از انتظاری به نسبت طولانی، با هر سه ملاقات کرده و پس از احوالپرسی، آنها را برای استراحت، به هتل محل اقامت‌شان بردم. «الکساندروف» ساعتی را در هتل استراحت کرد و سپس برای گشت‌وگذار و ناهار به دنبال او رفتم. به او پیشنهاد دادم تا از کلیسای تاریخی وانک و موزه دینی‌اش دیدار کند که او نیز مشتاقانه این پیشنهاد را پذیرفت. آقای «برزو» برای بازدید به داخل کلیسا نیامد، ولی با هر مشتقی بود، به دلیل عدم آشنایی با زبان روسی، توانستم به زبان انگلیسی دستوپا شکسته‌ام، بخش‌های مختلف کلیسا را به او نشان دهم. بخت با ما همراه بود و یکی از مسوولان کلیسا، وقتی مدال‌های قهرمان اتحاد شوروی را روی کت «الکساندروف» دید، جلو آمد و خوشبختانه با زبان روسی روانی که بلد بود، کار ما را راحت‌تر کرد. دیدن اشیای موزه کلیسا به‌خصوص سنگ مربوط به نبت گذر زهره توسط آلمانی‌ها در قرن گذشته، برای «الکساندروف» بسیار جذاب بود.

پس از اتمام دیدار از کلیسا، ناهار را در یکی از رستوران‌های قدیمی و زیبای اصفهان خوردیم. خوشبختانه ذائقه «الکساندروف» با غذاهای ایرانی مشکل نداشت و دلی از عزا درآوردیم. ناهار که تمام شد، باید برای شرکت در همایش باشگاه نجوم اصفهان که توسط مرکز آموزش نجوم ادیب تدارک دیده شده بود، به سالن همایش‌های کتابخانه مرکزی شهرداری رفتیم. زمانی که ما به سالن رسیدیم، تقریبا تمام صندلی‌ها پر شده بود. علاقه‌مندان بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان گرفته تا برخی مدیران ارشد شهری برای دیدن و شنیدن سخنرانی «الکساندروف» جمع شده بودند. از «یوگنی کولیش»، سرکنسول فدراسیون روسیه در اصفهان نیز برای شرکت در این برنامه دعوت شده بود که وی پیش از «الکساندروف» دقایقی سخنرانی کرد. سخنرانی «الکساندروف» به همراه «برزو»، درباره شرایط سفر به فضا و زندگی در آنجا جالب توجه بود و هر دوی آنها پس از اتمام سخنرانی، تقریبا به مدت یک ساعت به پر